سبک زندگی شهید بهشتی از زبان فرزند شهید محمدصادق اسلامی

دوست و همراه دکتر بهشتی در واقعه هفتم تیر

سبک زندگی بهشتی

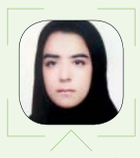

نرگس خانعلی‌زاده

جامعه

«هنوز ۶۰ سالش هم نبود؛ چه حیف که عمرش کم بود و دکتر بهشتی را خیلی زود از دست دادیم.» شاید این جمله، پررنگ‌ترین جمله‌ای است که دکتر علیرضا اسلامی، در طول گفت‌وگویمان مدام بر زبان می‌آورد و افسوس می‌خورد. شهید محمدصادق اسلامی، از دوستان شهید بهشتی بود که از سال ۴۲ در موتلفه و بعد از آن هم در حزب جمهوری اسلامی با هم همکار بودند و رفت و آمد خانوادگی داشتند. برای همین هم در سالروز فاجعه هفتم تیر و شهادت شهید بهشتی، سراغ فرزند شهید اسلامی رفتیم و از لابه‌لای این رفت و آمدهای خانوادگی و خلق و خوی شهید بهشتی پرسیدیم. گزارشی که می‌خوانید، همه آن چیزی است که در نظر علیرضای جوان آن سال‌ها، شهید بهشتی را مردی بزرگ و جوانمرد نشان می‌داد. «با آن‌که در زمان حیات دکتر بهشتی من جوان کم سن و سالی بودم، اما خوبی‌هایش آن‌قدر مشخص بود که هنوز بعد از این همه سال، برای از دست دادن چنین مردی متاثر هستم؛ حتی کمی بیشتر از شهادت پدرم.»

دکتر علیرضا اسلامی از سلوك و راه و روش متفاوت شهید بهشتی نسبت به دیگر روحانیان جامعه برایمان تعریف کرد: «واقعیت این است که سلوك شخصی شهید بهشتی، با روحانیان دیگر تفاوت‌های آشکاری داشت. او آرمانی داشت که در همه جنبه‌های زندگی‌اش به دنبال آن آرمان بود و تحت هیچ شرایطی از آن کوتاه نمی‌آمد.

مثلا شهید بهشتی برخلاف خیلی از روحانیان زمان خودش، در مدرسه دین و دانش در قم، زبان انگلیسی تدریس می‌کرد و یادگیری آن را به همه توصیه می‌کرد. یادم است یك‌بار که برای کاری به منزل شهید بهشتی رفته بودم، کسی با او تماس گرفت و سؤالی داشت. دکتر بهشتی هم پشت تلفن از او پرسید سؤالش را به انگلیسی جواب بدهد یا آلمانی که انگار آن طرف خط گفته بود آلمانی. بعد از آن شهید بهشتی آلمانی صحبت کرد و به سؤال مذهبی او به طور مفصل پاسخ داد. این کار جزو کارهای روتین شهید بهشتی بود؛ او به تفکرات نظریه‌پردازان اروپایی آشنا بود و از آنجا که قبلا در محضر علامه طباطبایی، بحث‌های فلسفی را دیده بود، به این‌گونه مباحث مسلط بود.»

گسترش اسلام در اروپا

«در دوره‌ای، شهید بهشتی همراه خانواده به اروپا هجرت کردند. این هجرت دو دلیل اصلی داشت؛ یکی این‌که می‌خواست با شرایط روز اروپا آشنا شود و دیگر این‌که از شرایطی که ساواك ایجاد کرده بود، پرهیز کند.

این‌طور که خانواده شهید بهشتی برای ما تعریف کردند، در این دوره که او در اروپا زندگی می‌کرد، فعالیت‌هایش نه‌تنها کم نشده بود که بیشتر از گذشته ادامه داشت. او در مسجد اسلامی هامبورگ، تشکل‌های اسلامی تشکیل داد و آنها را قوی کرد؛ در این تشکل‌ها، برنامه‌هایی با دانشجوهای مقیم اروپا داشت و به تقریب مذاهب و ادیان کمك می‌کرد و این‌طور نبود که این مهاجرت را فرصتی برای رسیدگی به امور شخصی خودش ببیند و اهدافش را فراموش کند.»

باید نسل بعد را تربیت کنیم

دکتر بهشتی به پرورش نسلی توانا بیشتر از هرچیزی بها می‌داد. انگار همین باعث شد به آموزش و پرورش ورود کند و گامی مهم در تربیت فرزندان آینده بردارد: «شهید بهشتی بیشتر از هرچیزی معتقد به تربیت و اصول آموزش و یادگیری بود.

برای همین همیشه در فکرتحولی در آموزش و پرورش بود و با برخی دوستانش مثل شهید باهنر و گلزاده‌غفوری در آموزش و پرورش مشغول به کار شدند و کتاب‌های دینی را تدوین کردند. البته بعدها، ساواك آیاتی مربوط به جهاد را از این کتاب‌ها حذف کرد، اما باز هم تاثیر این کتاب‌ها در سال‌های بعد مشخص بود.

تدوین همین کتاب‌های دینی و آموزش‌های شهید بهشتی در مدارس هم بود که توانست نسلی انقلابی را پرورش دهد؛ در صورتی که نسل ما کتاب‌هایی را خواندند که از گوشه و کنار شنیده بودیم که نویسنده‌هایشان، بهایی‌ها بودند.»

بفرمایید نان و پنیر

ساده‌زیستی، ویژگی عجیبی برای مردانی مثل شهید بهشتی نیست. موضوعی که دکتر اسلامی هم از آن خاطره‌های روشنی دارد: «یادم هست سه‌شنبه‌های هر هفته، شهید بهشتی جلساتی با دوستان و همکارانشان داشتند که پدر من هم در این جمع حضور داشت و بحث‌هایشان را در جمع مطرح می‌کردند؛ هر کدام از حاضران با تخصص و دانش مختلف، همدیگر را نقد و موضوع مورد بحث را چکش‌کاری می‌کردند و به نتیجه ایده‌آل می‌رسیدند.

این جلسات هر بار در خانه یکی برگزار می‌شد و شهید بهشتی هم تاکید داشت پذیرایی آخر جلسه، چیزی جز نان و پنیر و سبزی ساده نباشد. اگر کسی هم نظری غیر از این داشت، شهید بهشتی مخالفت می‌کرد که نباید این جمع‌ها را به سمت تشریفاتی شدن پیش ببریم و بهتر است با همین پذیرایی خودمانی و ساده آن را برگزار کنیم.»

باید با زمان پیش برویم

به نظر می‌رسد مساله‌ای که شهید بهشتی را به روحانی محبوب همه جامعه تبدیل کرده بود، فراگیری همه جنبه‌های جامعه بوده است که همه قشری و همه سنی او را قبول داشتند.

«شهید بهشتی همیشه در جلسات مختلف به زبان می‌آورد که من از آن آخوندهایی نیستم که شرایط زمان را نادیده بگیرم و به آن عمل نکنم. در شرایطی که سینما تفریح سالمی برای جامعه محسوب نمی‌شد، شهید بهشتی می‌گفت اگر روزی من را جلوی سینما دیدید، تعجب نکنید. اگر ما می‌گوییم لب دریا نروید، پس حتما باید جایی را فراهم کنیم که خانواده‌ها بتوانند از آن استفاده کنند.

نمی‌شود فقط بگوییم سینما نروید و سینما بد است؛ باید فضایی ایجاد کنیم که خانواده‌های مذهبی هم بتوانند فیلم ببینند. بر مبنای همین فکر هم بود که شهید بهشتی و دوستانشان، شرکتی تحت عنوان فیلم در خدمت دین درست کردند و فیلم‌ها را از سفارتخانه‌ها می‌گرفتند، دوبله می‌کردند و آنها را در مدرسه رفاه نمایش می‌دادند. با این کار، خانواده‌هایی مثل ما که مذهبی بودند و در زمان شاه، خیلی اهل سینما نبودند، می‌توانستند فیلم ببینند.»

دغدغه خانواده

شهید بهشتی بیشتر از هرچیزی، دغدغه خانه و خانواده و به ابعاد مختلف آن توجه داشت: «در آن دوره، مدارس واقعا وضعیت خوب و مناسبی نداشت و شهید بهشتی خیلی بابت این مسأله دلگیر و البته دل‌نگران آینده بود. نظرش این بود که باید بتوانیم مدارس اسلامی به‌ویژه برای دختران ایجاد کنیم. دختران ما، مادران آینده این مملکت هستند و باید خوب بار بیایند.

همین فکر و نگرانی‌ها هم باعث شد دکتر بهشتی تصمیم بگیرد مدرسه رفاه را بخرد و دبیرستان دخترانه اسلامی تاسیس کند. البته در این راه با ساواك به مشکلات زیادی خورد اما هدفش محقق شد و اولین دبیرستان انقلابی دخترانه با پوشش اسلامی شکل گرفت.»

خاطره خوش اردوهای رفاه

اردوهای سبزه، یکی از آن خاطره‌های مشترکی است که همه اطرافیان شهید بهشتی، از خوشی خاطرات آن روزها و آن اردوها تعریف می‌کنند: «شهید بهشتی جمعه‌ها را مخصوص رسیدگی به خانواده‌اش می‌دانست.

بر همین مبنا با شهید باهنر، پدر من شهید اسلامی و دیگر مبارزان و یاران امام که حدود ۶۰ نفر می‌شدند، بعضی از جمعه‌ها، اردوهایی به اسم اردوهای رفاه یا اردوهای سبزه برگزار می‌کردند که همه اعضا همراه با خانواده‌هایشان در آن حضور داشتند.

آنها به باغی خارج از شهر و به دور از چشم ساواك می‌رفتند و در کنار تفریح خانوادگی و گذراندن یك جمعه خوب در کنار خانواده، مباحث فکری و سیاسی‌شان را هم مطرح می‌کردند.

من آن زمان یك جوان ۱۶ یا ۱۷ ساله بودم همراه با خانواده به این اردوها می‌رفتیم و واقعا هم روزهای خوبی را داشتیم و خوش می‌گذراندیم. در این اردو، تقسیم وظایف می‌شد و هرکسی گوشه‌ای از کار را می‌گرفت تا به کسی فشار نیاید. مثلا در بیشتر مواقع، شهید بهشتی مسؤول شستن ظرف‌ها بود. ما جوان‌ها نمایش اجرا می‌کردیم، برنامه سخنرانی داشتیم، ورزش صبحگاهی اجرا می‌کردیم، استراحت می‌کردیم و در مجموع جمعه خوبی را در کنار هم می‌گذراندیم. این‌طوری هم جمعه را در کنار خانواده‌اش بود و هم می‌توانست به دیگر فعالیت‌هایش برسد.»

جمعه برای خانواده است

او توجهی خاص به موضوع خانواده و فرزندان‌شان داشت که در کمتر موردی آن را دیده بودیم. مثلا یکی از ویژگی‌هایی که همه دوستان شهید بهشتی به آن واقف بودند، این بود که از نظر دکتر بهشتی، روزهای جمعه مخصوص خانواده است و او در این روز، به تلفن‌ها و مراجعات جواب نمی‌دهد: «اتفاقا برخی‌ها معترض می‌شدند که یعنی چه که جواب نمی‌دهد؟ ما کار واجب داریم، اما جواب شهید بهشتی یك چیز بود و این‌که جمعه روز خانواده است و اگر من به کار دیگری رسیدگی کنم، حقوق خانواده‌ام ضایع می‌شود. مثلا خیلی وقت‌ها اگر کسی روز جمعه را برای قراری پیشنهاد می‌داد، شهید بهشتی تعجب می‌کرد که چطور می‌گویی جمعه؟ مگرخانواده‌ات منتظر تو نیستند؟»

مصداق واقعی حرف خدا بود

علیرضا اسلامی، آیه‌ای از قرآن را مصداق دکتر بهشتی می‌داند و می‌گوید: «من فکر می‌کنم درباره شهید بهشتی باید این آیه را خواند که رجال صدقوا ما عاهدوا ا... علیه؛ اینها مردانی راست قامت بودند که با خدای خود پیمان بسته بودند و بر سر پیمان‌شان استوار ماندند تا شهید شدند.

واقعیت این است که من دکتر بهشتی را مصداق واقعی این آیه می‌دانم؛ شاید چون از نزدیك می‌دیدم که چه هدفی دارد و چطور برای رسیدن به هدفش تلاش می‌کند و ذره‌ای کم نمی‌گذارد. چه حیف که او را زود از دست دادیم.»

مکث

شهید بهشتی را بیشتر بشناسیم

شهید آیت‌ا... سید محمد حسینی‌بهشتی، شخصیتی بود که بعد از شهادتش، خیلی از نویسندگان و پژوهشگران انقلاب تصمیم به کند و کاو در سیره زندگی و ابعاد مختلف شخصیتش کردند. برای همین بعد از واقعه هفتم تیر، کتاب‌های مختلفی با شیوه‌های نگارش متفاوتی درباره او به چاپ رسیده است. در سالگرد واقعه هفتم تیر بد نیست بعضی از این کتاب‌ها را مرور کنیم.

کتاب «فرزندان آفتاب؛ روحانی فرهنگی» در ۷۰ صفحه به معرفی روحانیون در دوران انقلاب و دفاع مقدس پرداخته است که تعدادی از این صفحات به شهید بهشتی تعلق دارد و به اصل و نسب او، فعالیت‌ها و نحوه شهادتش اشاره کرده و او را به طور خلاصه برای خوانندگانش معرفی کرده است. این کتاب توسط امور شاهد و ایثارگران وزارت آموزش و پرورش و به تلاش مهدی احمدپور جمع‌آوری شده است.

کتاب دیگر درباره شهید بهشتی، «او یك ملت بود» اثر محمدعلی صمدی است که توسط انتشارات یا زهرا چاپ شده است. این کتاب شامل مجموع خاطرات شهید بهشتی از زبان خود در زمان حیات و از زبان همکاران و دوستان و خانواده‌اش در روزهای بعد از شهادت است. در کتاب، خاطرات همراه با تصاویر رنگی چاپ شده است و جذابیت بصری خوبی برای خواننده خودش دارد.

کتاب «زندگی و زمانه آیت‌ا... بهشتی»، آثار مصاحبه‌های شهید بهشتی و مذاکرات منتشر نشده شورای انقلاب است که حالا بعد از مدت‌ها توسط جعفر شیرعلی‌نیا جمع‌آوری شده و در قالب کتاب به چاپ رسیده است.

این کتاب راوی سه بخش مهم از زندگی شهید بهشتی است که از تولد تا ۳۰ سال آینده را تعریف می‌کند، به دوره پنج‌ساله مهاجرت به اروپا و زندگی در هامبورگ می‌پردازد و در فصل سوم به روزهای بازگشت به ایران در سال ۴۹ تا پیروزی انقلاب می‌پردازد. این کتاب که توسط موسسه یادمان شهدای هفتم تیر (سرچشمه) منتشر شده است، اثری است که تا حدودی تاریخ زندگی او را برای علاقه‌مندان تاریخ روشن می‌کند. «هفت مقاله در شناخت اندیشه‌های سیاسی شهید بهشتی» عنوان کتابی است که پایش را فراتر از سیره و زندگی شهید بهشتی گذاشته است و در هفت مقاله، به شرح و تعریف و البته تبیین اندیشه‌های او پرداخته است.

این کتاب توسط دکتر سید علیرضا حسینی بهشتی نوشته شده و در نشر نهادگرا و با همکاری بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی انتشار یافته است. این‌طور که نویسنده کتاب می‌گوید، به دلیل حضور چندین ساله در بنیاد نشر آثار شهید بهشتی، فرصت آشنایی بیشتر و نزدیك‌تری با آثار به جا مانده از شهید بهشتی داشته است که حالا این اثر، نوشتارهایی است که طی ۲۰ سال اخیر درباره وجوه گوناگون اندیشه‌های شهید بهشتی نوشته است.

حق با شماست

info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#بهشت‌زهرا-پاسخ

شایان از تهران:

چند شماره تماس در سایت بهشت‌زهرا(س) از سوی روابط عمومی گذاشته شده، ولی هیچ‌یك از این شماره‌ها جوابگو نیستند.

#مترو-ساعت

سلیمی از کرج:

متروی صادقیه به سمت کرج فقط تا ساعت ۲۱ قطارهای سریع‌السیر دارد و بعد از آن قطارهای معمولی مسافران را جابه‌جا می‌کند. در صورت امکان تا ساعت ۲۲ نیز قطارهای سریع‌السیر اقدام به جابه‌جایی مسافران کنند.

#زباله-منطقه ۱۶

سلمانی از تهران:

در میدان بهمنیار واقع در منطقه ۱۶ سطل‌های زباله از سوی شهرداری دیر تخلیه می‌شود، به‌خصوص نبش کوچه جامی که جولانگاه موش‌ها شده و باعث انتشار بوی نامطبوع در محله شده است.

جوابیه

در پی درج پیامی در ۱۳ خرداد ۱۳۹۸ با عنوان «اتوبوس-فرسوده» مشاور فرهنگی واجتماعی و مدیر روابط‌عمومی اتوبوسرانی شهرداری تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: درخصوص وضعیت نامناسب اتوبوس‌های خط ۳۵۹ (میدان راه‌آهن-میدان هفتم تیر) اعلام می‌دارد بخش قابل‌توجهی از اتوبوس‌های تك‌کابین شاغل در خطوط فرسوده است و باید نوسازی شود که در صورت اجرا شدن مصوبه هیات محترم وزیران و اختصاص اتوبوس نو از سوی دولت محترم به شهر تهران، این امر محقق می‌شود.

در پی درج پیامی در ۲۷ خرداد ۱۳۹۸ با عنوان «فاضلاب-روباز» مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۵ تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: افسریه دارای ۲۵ هزار متر نهر روباز بوده که در سال‌های گذشته و در قالب طرح ناحیه بدون نهر با بهره‌گیری از شیوه‌های جدید لوله‌گذاری نسبت به سرپوشیده کردن این انهار اقدام شد. در حال حاضر ۲۳ هزار و ۵۰۰ متر از انهار افسریه پوشیده شده و تنها حدود ۱۵۰۰ متر نهر روباز باقیمانده که آن هم در برنامه سال جاری و آتی شهرداری منطقه قرار دارد که در صورت تامین بودجه اجرایی خواهد شد.